

جایگاه راهنماهای طراحی^۱ در فرآیند طراحی شهری و نقش آن‌ها در ارتقاء کیفیت فضاهای شهری

مصطفی بهزادفر* - امیر شکیبامنش**

چکیده

در دهه‌های اخیر بحث فرآیند طراحی شهری یا نگرش فرآیندی به طراحی شهری توجه بسیاری از نظریه پردازان و متخصصین طراحی شهری را به خود جلب نموده است. فرآیند طراحی شهری به تعریف بهتر و کاملتر مسائل، در نظر گرفتن راه حل‌های متعدد و بهینه‌یابی، تسهیل فرآیند اجرا، کمک به تصمیم‌گیری و طراحی منطقی، افزایش کارایی در طراحی، انتظام بخشی به مراحل مختلف طراحی و ... منجر می‌گردد. اما آن چه که به عنوان هدف اصلی طی چنین فرآیندی به حساب می‌آید، ارتقاء بخشی کیفیات محیطی در فضاهای شهری است. در حقیقت «کیفیت» به عنوان مهمترین دستاورد یک پروژه طراحی شهری مطرح بوده و ارتقاء آن، غایت رسالت طراح شهری به شمار می‌آید.

در این میان «راهنماهای طراحی شهری» با استفاده مستقیم از عوامل کیفیت بخش محیطی در ساختار خود و بهره‌گیری از این عوامل در ایجاد متون، تصاویر و نقشه‌های هدایت‌کننده جریان طراحی شهری، نقش بسزایی را در ارتقاء کیفیت فضاهای شهری برعهده دارند. در واقع «راهنماهای طراحی شهری» از جمله مهمترین ابزار در اختیار طراحان شهری، جهت انعکاس و ظهور تدابیر و تمهیدات کیفیت بخش در فضاهای شهری بوده و پل میان تحقیق و تدابیر نظری و فعالیت‌های حرفه‌ای را برقرار می‌نمایند. چنین دستورالعمل‌هایی قادر خواهند بود تا همچون بیانیه‌هایی عمومی، اهداف و الگوی طراحی را به منظور تحقق آنها مشخص نموده و شواهدی را که حامی این ارتباط بین هدف و الگوهای مذکور باشد، ارائه نمایند.

این مقاله سعی بر آن دارد تا ضمن مشخص نمودن جایگاه و نقش راهنماهای طراحی شهری در فرآیند طراحی شهری، از آنها در ارتقاء کیفیت فضاهای شهری استفاده نموده و از این طریق ابزار قدرتمندی را برای تحقق ایده‌های طراحی و نیز نظارت بر اجرای تدابیر اتخاذ شده برای ارتقاء کیفی فضاهای شهری، در اختیار طراحان شهری قرار دهد.

واژگان کلیدی:

طراحی شهری، راهنماهای طراحی شهری، کیفیت، فرآیند طراحی.

Email: behzadfar@iust.ac.ir
Email: shakibamanesh@gmail.com

* دانشجوی طراحی شهری، گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
** کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

مقدمه

شهر از ابتدای تاریخ، عالی‌ترین مکان تجمع زیستی انسان‌ها بوده است و فضاهای شهری نیز ارکان ساختار کالبدی شهر و محل فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن را می‌ساختند. در این میان طراحی شهری اساساً با ترتیب و تنظیم حرکات و فعالیت‌ها و شکل ساخت کالبدی- فضایی شهر و به عبارت دیگر مجموعه‌ای پیوسته از فضاهای شهری سر و کار دارد و به آنها شکل می‌دهد (توسلی، ۱۳۷۶). دانش طراحی شهری به منظور جستجوی کیفیت در شکل شهر یا به عرصه حیات گذاشت. اگرچه انسان از زمان‌های گذشته (به صورت تجربی) به طراحی محیط شهری خود می‌پرداخت، اما تئوری طراحی شهری قریب به یک سده قدمت دارد. این امر توسط نوشته‌های "سیتیه" و "بامایستر" تأیید می‌گردد. پس از سکوتی طولانی در زمینه تئوری طراحی شهری، تئوری نوین طراحی شهری در سال‌های ۱۹۶۰ با تمرکز بر ارتباط میان ادراک انسانی و رفتار در شهر پدیدار گشت و پس از آن تئوری‌های علمی- محور در طراحی شهری یکی پس از دیگری پدیدار گشتند. این تئوری‌ها کوشیدند تا در قالب پروژه‌های توسعه شهری با تأکید بر برخی جنبه‌ها از قبیل برنامه‌ریزی منطقه‌ای، اقتصاد، علوم اجتماعی و حمل و نقل به توسعه شهر بپردازند (پاکزاد، ۱۳۸۶). مرور ادبیات طراحی شهری، نشان می‌دهد با وجود برخی تفاوت‌ها در برداشت از مفهوم طراحی شهری و حوزه عمل آن، تقریباً همه صاحب نظران در هدف اصلی طراحی شهری یعنی ارتقاء و بهبود کیفیت اتفاق نظر دارند و بسیاری آن را رسالت و هدف اصلی طراحی شهری می‌دانند. فرآیند طراحی شهری نیز همواره در سیر تحول خود در راستای هدف ارتقاء بخشی به کیفیات محیطی گام برداشته است. در این میان «راهنما‌های طراحی شهری» به عنوان یکی از اجزاء مهم و کلیدی فرآیند نوین طراحی شهری، با استفاده مستقیم از عوامل کیفیت بخش محیطی در ساختار خود و بهره‌گیری از این عوامل در ایجاد متون، تصاویر و نقشه‌های هدایت‌کننده جریان طراحی شهری، نقش به‌سزایی را در ارتقاء کیفیت فضاهای شهری برعهده داشته است. در واقع «راهنما‌های طراحی شهری» از جمله مهمترین ابزار در اختیار طراحان شهری، جهت انعکاس و ظهور تدابیر و تمهیدات کیفیت بخش در فضاهای شهری بوده است.

کیفیت

کیفیت فضا و محیط دارای چنان اهمیتی است که بسیاری آن را مهمترین وظیفه و رسالت طراحی شهری می‌دانند. اصولاً کیفیت زندگی شهری واژه‌ای پیچیده، چند بعدی و کیفی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، محله و ...) است که هم متکی به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص‌های عینی یا کمی است. با این مقدمات، مفهوم کیفیت زندگی شهری را می‌توان در یک برداشت جامع و کلی به صورت زیر تعریف نمود:

کیفیت زندگی شهری در برگیرنده ابعادی روانی است که شاخص‌هایی چون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می‌گیرد. همچنین ابعاد دیگری چون دسترسی، فرصت‌های اجتماعی، امیدهای اشتغال، ثروت و اوقات فراغت نیز از دیگر جنبه‌های تأثیرگذار بر کیفیت به شمار می‌آیند (سیف‌الدینی، ۱۳۸۱).

کوکبی از قول «پروفکت»^۴ می‌گوید: کیفیت زندگی شهری ممکن است احساس خوبی باشد که حاصل ترکیبی از عوامل مرتبط با حس مکان یا هویت مکان از قبیل خوانایی، خاطره جمعی و حس تعلق تاریخی است. چیزی که در اینجا بسیار مهم است، ارتباط مستقیم عاطفی (احساسی) است که افراد با محیط ساخته شده برقرار می‌کنند. به عبارت دیگر احساس افراد و یا واکنش احساسی بین روح و روان افراد و ساختار محیط و اجزای اصلی آن خود سازنده کیفیات است (کوکبی، ۱۳۸۳).

«طراحی شهری» و ارتباط آن با مقوله «کیفیت»

اگر با کمی دقت به تعاریف طراحی شهری بنگریم، مشاهده می‌شود که اکثر طراحان شهری در دیدگاه‌های خود به «ارتقاء کیفیت محیط زندگی» به عنوان غایت و کمال فرآیند طراحی شهری می‌نگرند. کیفیت محیط شهری و تلاش در جهت ارتقاء آن مهمترین هدف طراحی شهری می‌باشد و تنها به این دلیل از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است که زندگی تعداد بسیار زیادی از مردم را تحت تأثیر قرار داده، به آنها شکل می‌بخشد و دارای خصوصیات بیشماری نظیر سرزندگی، زیبایی، ایمنی، تداوم، مصوریت، انعطاف پذیری، تشخیص، پایداری، خوانایی، کیفیت قلمرو جمعی و ... در درون خود می‌باشد. کیفیت محیطی نشان دهنده خصوصیات جالب محیط اطراف بوده و بر روی حواس انسان بویژه حس بصری، شنوایی و لامسه او تأثیر گذار می‌باشد.

ارتقاء کیفیت محیطی شاخص‌ترین وظیفه طراحی شهری است که می‌تواند کلیه سطوح شهر، از طراحی ساختار اصلی تا طراحی المان‌های محوطه‌های شهری را در برگیرد و متناسب با هر یک، ارزش‌ها، مفاهیم، ابزارها و روش‌های خاص خود را برای دستیابی به هدف به کار بندد و با این کار موجب رونق بسیاری از مناطق یکنواخت و خسته کننده امروزی گردد.

کیفیت‌های محیطی و مولفه‌های سازنده آن

کیفیت محیطی برآیند سه نیرو (مولفه) کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی-زیباشناختی و کیفیت زیست محیطی شهرها می‌باشد.

«مولفه عملکردی کیفیت محیطی» از یک سو دربرگیرنده تأمین حرکت و دسترسی سهل و مناسب پیاده‌ها و سواره‌ها و از سوی دیگر در برگیرنده عملکردهای دیگر همچون تفریح، تماشای مردم و مراسم گوناگون، غذا خوردن و گفتگو، روزنامه خواندن، ملاقات با دوستان و ... نیز بوده تا ضامن سرزندگی و غنای تجربه فضایی شهر گردند. «مولفه تجربی-زیباشناختی کیفیت محیطی» به دریافت‌های ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال فضاهای شهری سر و کار دارد. و در نهایت، «مولفه زیست محیطی» در بعد خرد آن، در برگیرنده مقولاتی همچون تنظیم اقلیم خرد فضاهای شهری (آفتاب، جریان هوا، سایه گیری و ...) و در بعد کلان دغدغه پایداری زیست محیطی را داشته و با کیفیت تعادل مبتنی بر بوم شناسی محیط شهری و چگونگی استفاده از منابع طبیعی اعم از زمین، آب و ... در رابطه با طرح های شهری سر و کار دارد (گلکار، ۱۳۸۰).

جدول ۱: مؤلفه های سازنده کیفیت های محیطی

مؤلفه عملکردی	-کیفیت قرارگاه‌های رفتاری (سازگاری فضا، فعالیت، زمان) -کیفیت سازگاری فرم شهری با کاربری‌ها، شبکه پیاده، سواره و ... -کیفیت ایمنی محیط برای فعالیت‌ها -کیفیت امنیت محیط برای فعالیت‌ها
مؤلفه تجربی-زیباشناختی	-کیفیت «محیط کالبدی-فضایی» (محیط عینی) استخوان بندی فضایی، سازمان کالبدی، توده - فضا و ... -کیفیت «محیط ادراکی حسی» (محیط ادراکی) شامل کیفیت منظر عینی، تحلیل ساختاری نمای شهری و ... -کیفیت «محیط ادراکی ذهنی» (محیط شناختی) شامل کیفیت منظر ذهنی، منظر ذهنی ارزیابانه، سرزندگی و ...
مؤلفه زیست محیطی	-کیفیت اقلیم خرد فضاهای شهری (آسایش اقلیمی) شامل: آفتاب گیری، سایه اندازی، باد، رطوبت و ... -کیفیت اصوات، بو و رایحه محیط -کیفیت طراحی شهری پایدار شامل: بازدهی مصرف منابع طبیعی (انرژی، زمین و ...)، تعادل اکوسیستم‌ها و تقلیل آلودگی‌ها (آب، هوا، زمین)

ماخذ: گلکار، ۱۳۸۰

فرآیند طراحی شهری و جایگاه راهنماهای طراحی در آن

فرآیند به معنی مجموعه فعالیت‌های منسجم و صریحی است که هدف و راه حل را به هم پیوند می‌دهد. به عبارت دیگر تسلسل منطقی و هدفمند تعدادی فعالیت را فرآیند گویند. در چند دهه اخیر بحث فرآیند طراحی شهری یا نگرش فرآیندی به طراحی شهری توجه بسیاری از نظریه پردازان و متخصصین طراحی شهری را به خود جلب کرده است. از جمله مهمترین دلایل استفاده از مفهوم فرآیند در طراحی شهری می‌توان به مواردی نظیر کمک به تعریف بهتر، روشن‌تر و کامل‌تر مسائل، بهینه‌یابی و در نظر گرفتن راه‌حل‌های متعدد و متنوع، تسهیل در فرآیند اجرا، کمک به تصمیم‌گیری و طراحی منطقی، تصمیم‌گیری‌های پیچیده، تصحیح تصمیمات، ارزیابی و انتخاب، بالا بردن کارایی در طراحی، انتظام بخشی به مراحل اخذ تصمیم‌گیری‌های پیچیده، تصحیح تصمیمات، ارزیابی و انتخاب، بالا بردن کارایی در طراحی، انتظام بخشی به مراحل مختلف طراحی و ... اشاره نمود (بحرینی، ۱۳۸۲). اما آنچه هدف از مطرح نمودن بحث فرآیند طراحی شهری در مقاله حاضر است نه پرداختن به مقوله فرآیند، بلکه اشاره به جایگاه «راهنماهای طراحی شهری» در آن است که می‌تواند تأثیر بسزایی در درک وظیفه و نقش این مبحث از فرآیند داشته باشد. در نمودار شماره یک موقعیت قرار گیری راهنماهای طراحی در فرآیند طراحی شهری نشان داده شده است.

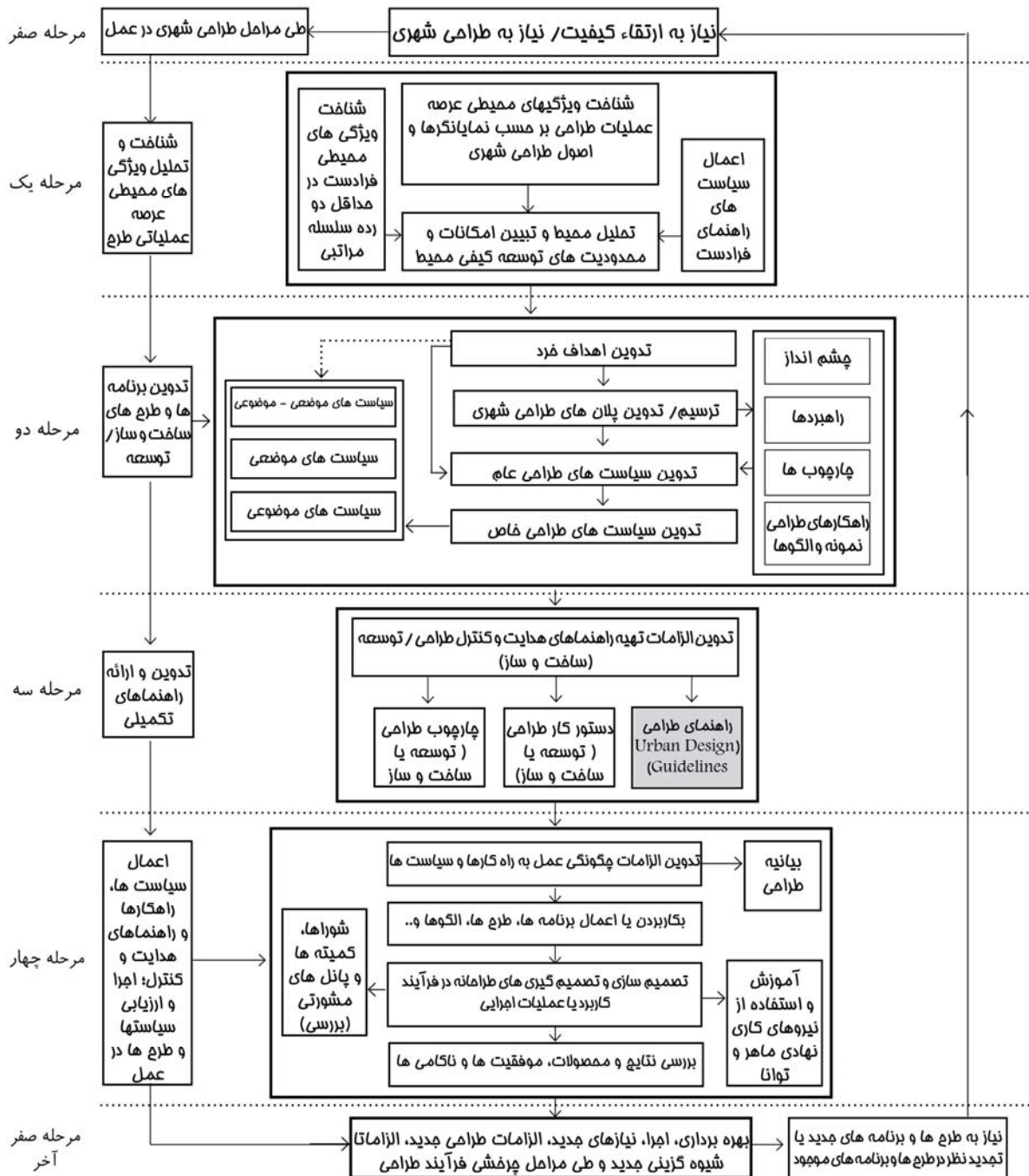
همان گونه که از نمودار ۱ نیز برمی‌آید در مرحله سوم از فرآیند طراحی شهری، پس از طی نمودن مرحله شناخت و تحلیل ویژگی‌های محیطی عرصه عملیاتی طرح و تدوین برنامه‌ها و طرح‌های ساخت و ساز/توسعه نوبت به تدوین و ارائه راهنماهای تکمیلی شهرسازی^۵ می‌گردد که در ادامه به آن اشاره گردیده است.

مرحله سوم فرآیند طراحی؛ راهنماهای تکمیلی شهرسازی

حکومت‌های محلی قادرند از طریق به کارگیری ابزارهایی، سیاست‌هایی را در قالب ایده‌های روشن طراحی برای محدوده‌ها و مکان‌های ویژه و در رابطه با موضوعات خاص طراحی و برنامه‌ریزی شکل بخشند. با کمک همین ابزار است که شهرداری‌ها (به عنوان مهمترین نهاد مجری پروژه‌های توسعه شهری) می‌توانند در جهت دستیابی به اهداف سیاست‌های «برنامه توسعه» گام بردارند.

اصل طراحی شهری باید در «برنامه توسعه» به عنوان یک سیاست مطرح باشد و شیوه‌های مختلف دستیابی به این اصل نیز باید در «راهنماهای تکمیلی شهرسازی» مد نظر قرار گیرند. «راهنماهای تکمیلی شهرسازی» می‌توانند به ویژه در رسیدگی به موضوعات زیر سودمند باشند (DETR&CABE, 2000):

- موضوعاتی که در معرض تغییرات مکرر بوده و دلایل این تغییرات نیز خارج از کنترل شهرداری و شورای شهر قرار دارد.
 - موضوعاتی که بر توصیه‌ها و اسناد تولید شده توسط هیئت‌ها و گروه‌های دیگر تکیه دارند.
 - موضوعاتی که به عنوان ابزار مشورتی (توصیه‌ای) و نه یک الزام مطرح هستند.
- «راهنماهای تکمیلی شهرسازی» نیز مانند سیاست‌های طراحی «برنامه توسعه» قابل تبادل بین یک مکان و مکان دیگر نیستند؛ چرا که باید مبتنی بر ارزیابی‌های صورت گرفته در مورد بستر و زمینه خاص هر مکان باشند و نیز مورد مشورت عمومی قرار گیرند. شیوه بازنگری باید از آغاز تهیه سند، مورد توجه قرار گیرد. پیش از پرداختن به اجزاء تشکیل دهنده «راهنماهای تکمیلی شهرسازی» به سبب نیاز بحث نظری می‌باید به انواع سیاست‌های طراحی شهری نیز به اجمال اشاره گردد.



نمودار ۱: ساختار فرآیند طراحی شهری

ماخذ: بهزادفر، ۱۳۸۶

دسته‌بندی کلی سیاست‌های طراحی شهری

سیاست‌های طراحی شهری را می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم نمود (DETR&CABE, 2000):

- سیاست‌های محدوده (حوزه) محور^۶
- سیاست‌های موضعی^۷
- سیاست‌های موضوعی^۸

۱- سیاست‌های محدوده (حوزه) محور

این گروه از سیاست‌ها در حوزه‌هایی که سهم بسیار مهمی در شکل‌دهی کاراکتر^۹ متمایز یک محدوده دارند یا در حوزه‌هایی که هدایت تغییرات در آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مورد استفاده قرار می‌گیرند. مراکز شهری، حوزه‌های حفاظت شده، لبه آب‌ها، محورهای حمل و نقل، محدوده‌های احیاء و باززنده‌سازی، نواحی حاشیه‌ای در شهر و محدوده‌های هویت‌مندی که دارای کاربری خاصی می‌باشند، نمونه‌هایی از حوزه‌های مذکور هستند. تهیه سیاست‌های طراحی برای یک حوزه ویژه، همگام با درک متخصصان طراحی و برنامه‌ریزی و نیز افراد محلی آن، به ارزیابی کاراکتر آن محدوده، نیازها، فشارها و بار ناشی از توسعه وابسته خواهد بود. اگر قرار است که ارزیابی فوق به عنوان بستری مناسب برای سیاست‌های طراحی محلی در نظر گرفته شود، باید بسیار دقیق و موشکافانه و مبتنی بر همکاری و مشورت باشد. ارزیابی مربوط به زمینه و بستر محدوده باید به صورت تحلیلی و نه صرفاً توصیفی صورت گیرد.

۲- سیاست‌های موضعی

اگر موضوع طراحی از اهمیت فراوانی برای یک محدوده ویژه برخوردار باشد، برنامه توسعه باید آن دسته از سیاست‌های طراحی را دربرگیرد که برای مکان مذکور و متناسب با شرایط و ویژگی‌های آن تنظیم و آماده گردیده باشد.

۳- سیاست‌های موضوعی

در این گروه از سیاست‌ها، نحوه اجرا و پیاده نمودن تمهیدات و موضوعات خاص واجد ارزش از سوی طراح مورد توجه قرار می‌گیرد. در حقیقت شمار محدودی از موضوعات طراحی ممکن است تا آن اندازه مهم باشند که لزوم وجود «سیاست‌های موضعی» خاص در «برنامه توسعه»^{۱۰} را توجیه نمایند و نیاز به تنظیم «سند راهنمای طراحی» را طلب نمایند.

آن چنان که در نمودار ۱ نیز مشاهده می‌شود، «راهنماهای تکمیلی شهرسازی» با کمک سه ابزار الف: «چارچوب‌های طراحی شهری»^{۱۱}، ب: «دستور کارهای طراحی»^{۱۲} و ج: «راهنماهای طراحی شهری» تهیه و تدوین می‌گردند.

از «چارچوب‌های طراحی شهری» برای تهیه اسناد هدایت محدوده‌ها و حوزه‌های ویژه، از «دستور کارهای طراحی» برای تهیه اسناد هدایت مکان‌های ویژه (واجد سیاست‌های طراحی شهری موضعی) و در نهایت از «راهنماهای طراحی شهری» جهت تهیه و تدوین اسناد هدایت موضوعات ویژه (واجد سیاست‌های طراحی شهری موضوعی) استفاده به عمل می‌آید.

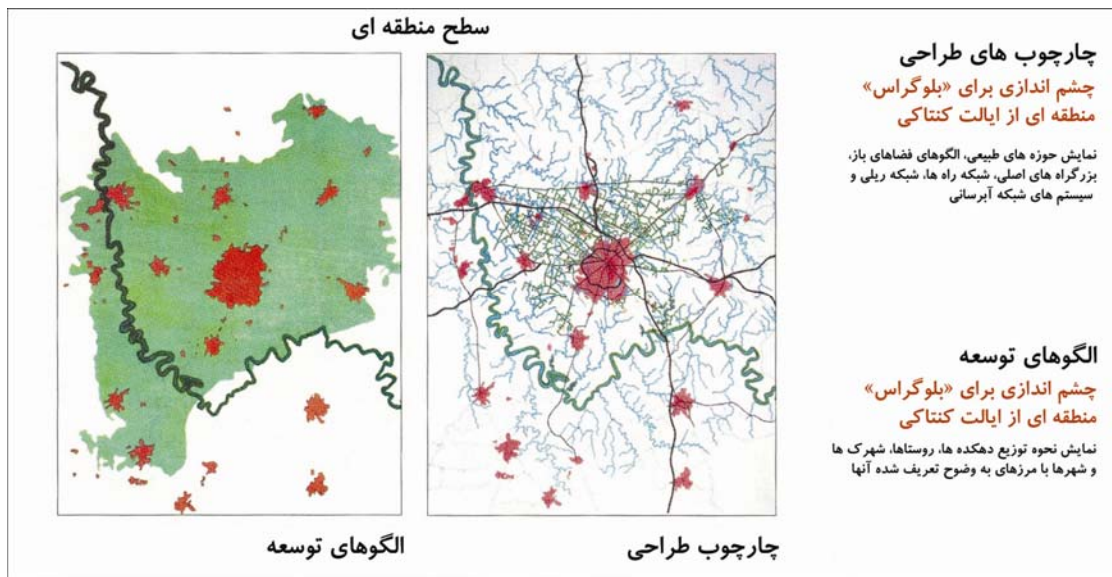
عناصر سازنده راهنماهای تکمیلی شهرسازی

الف: چارچوب‌های طراحی شهری

«چارچوب‌های طراحی شهری» اسناد هدایت محدوده‌هایی که در معرض تغییر و تحول قرار دارند، یا محدوده‌هایی که برای بهبود و ارتقاء مستلزم رشد و تحول هستند را تأمین می‌نمایند (DETR&CABE, 2000). در واقع چارچوب طراحی شهری یک الگوی کیفی هدایت توسعه برای مناطقی است که در حال تغییر و تحول و یا رشد و شکل‌گیری می‌باشند. این سطح از «راهنماهای تکمیلی شهرسازی» رابط تصمیمات سطح استراتژیک با پیشنهادات عملی است

(ذکاو، ۱۳۸۱). این بخش از مطالعات طراحی شهری کلیه ابعاد کیفی و هویتی حوزه سازماندهی را دربر می‌گیرد که شامل ویژگی‌های انتظام فضایی، سیما و منظر تا نظم کالبدی و همجواری‌ها و انضباط پر و خالی فضاهای شهری بوده و وضعیت سازمان یافتگی استخوان‌بندی فضایی حوزه در ارتباط با پیرامون آن نیز تعیین تکلیف می‌شود. در این سطح از مطالعات، حوزه‌های نیازمند مطالعات تفصیلی‌تر طراحی شهری مانند خیابان‌های اصلی و فضاهای شهری تعیین تکلیف گردیده و محدوده و اهداف مطالعه بعدی و نقش آن‌ها مشخص می‌گردد. چارچوب طراحی شهری همچنین حاوی اسناد هدایت و راهبردی توسعه از بعد کیفی است که همراه ضوابط کنترل، پلان سیاست‌گذاری و راهنمای طراحی وظیفه هدایت و شکل‌دهی حوزه مداخله را عهده‌دار است (ذکاو، ۱۳۸۴). «چارچوب طراحی شهری» ارائه دهنده نظام جامعی از اصول و سیاست‌های طراحی و مفاهیم توسعه کیفی برای یک حوزه خاص است (Punter, 1997). در حقیقت دستیابی به یک الگوی مطلوب با اتکاء به کلیه ابعاد و زمینه‌های کیفیت‌های محیطی، قابلیت‌ها و فرصت‌های موجود، بر عهده این سطح از مطالعات طراحی شهری است. یک «چارچوب توسعه شهری» معمولاً محدوده‌ای را پوشش می‌دهد که تنها بخش‌هایی از آن محدوده پتانسیل توسعه را دارا خواهند بود. چنین چارچوبی با لحاظ نمودن راهبردهای اجرایی^{۱۳}، بسیار فراتر از طرح‌های جامع^{۱۴} سنتی عمل می‌کند. «چارچوب‌های طراحی شهری» با نام‌های مختلف دیگری نیز شناخته می‌شوند که از آن جمله می‌توان به «چارچوب‌های توسعه محدوده»^{۱۵}، «راهبردهای طراحی شهری»^{۱۶} و «چارچوب‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری»^{۱۷} اشاره نمود. هدف از تهیه چارچوب طراحی شهری، تنظیم یا تدوین ساختاری خشک و غیر منعطف برای آنچه باید اتفاق افتد نیست، بلکه هدف آن ایجاد بستری برای گفت‌وگو با سازندگان و تمام افراد ذینفع در محدوده می‌باشد (DETR&CABE, 2000). چارچوب‌های طراحی شهری:

- نحوه به کارگیری سیاست‌های «برنامه توسعه» در یک محدوده را تبیین نموده و نمایش می‌دهد.
- مجموعه جامعی از اصول طراحی را برای یک محدوده تنظیم می‌کند.
- راهبرد را به پیشنهادهای کاربردی پیوند می‌دهد.
- سند هدایت نظارت بر توسعه را تهیه می‌نماید (DETR&CABE, 2000).



تصویر ۱: نمایش چارچوب طراحی شهری در مقیاس منطقه ای و ارتباط آن با الگوهای توسعه.

ماخذ: Urban Design Associates, 2003



تصویر ۲: نمایش چارچوب طراحی شهری در مقیاس واحد همسایگی و ارتباط آن با الگوهای توسعه.

ماخذ: Urban Design Associates, 2003

ب: دستور کارهای طراحی

مقیاس تفصیلی تر مطالعات طراحی شهری، «دستور کارهای طراحی» است که اهداف آن در این سطح ارائه اسناد هدایت شکل دهی کالبدی و تفصیلی یک فضای شهری است (Urban Design Group, 2003). در این سطح از طراحی جزئیات و چگونگی اجرای سیاست های فرادست (چارچوب های طراحی شهری) برای یک فضای شهری خاص ارائه می گردد (Rowland, 1996). «دستور کارهای توسعه» اسناد هدایت روشنی را در خصوص نحوه توسعه و ساخت و ساز در یک سایت ارائه می نماید و بالقوه یکی از موثرترین ابزارهای شفاف سازی اصول طراحی در یک سایت و اجرا و تحقق پذیری سیاست های طراحی در آن می باشد. یک دستور کار توسعه:

- مجموعه ای از اصول توسعه منسجم را بر اساس تجزیه و تحلیل زمینه یا بستر برنامه ریزی بیان می کند.
- برای سایتی با اندازه، حساسیت و پیچیدگی قابل توجه تهیه می شود.
- ابهامات را به حداقل رسانده و اثر بخشی فرآیند برنامه ریزی و توسعه را بهبود می بخشد.
- قادر است به منظور ترویج و ارتقاء توسعه مورد استفاده قرار گیرد (از طریق شناسایی محدودیت ها، فراهم نمودن ایده های واقع بینانه و تشویق و ترغیب کاربری مختلط و استانداردهای عالی طراحی) (DETR&CABE, 2000).



برساختمانها به گونه ای است که حداقل ۶۰ درصد از حریم جلوخان ساختمان توسط نما اشغال گردد. هنگامی که برساختمان در مجاورت یک فضای عمومی، یک پیاده راه اصلی و یا خیابان قرار گیرد، نما باید حداقل ۹۰ درصد از خط بر ساختمان را اشغال نماید.



نمایش کلیه بامها باید توسط سفال یا خاک قرمز صورت پذیرد. بامها باید کاملاً یک رنگ بوده و ایجاد هرگونه بافت متمایز کننده بر روی آنها ممنوع می باشد.



در انتخاب مصالح خارجی ساختمانهای جدید باید از آجر با رنگ قهوه ای مایل به زرد، با کنتراست در همان طیف رنگی، استفاده نمود (مشابه با ساختمان قدیمی «مین» و «مکلو هال») رنگ آمیزی نمای خارجی بناها ممنوع می باشد.

تصویر ۳: قسمتی از دستور کار طراحی محوطه "دانشگاه سن مارکو" در ایالت تگزاس آمریکا، ماخذ: LDR, 1998

ج: راهنماهای طراحی شهری

«راهنماهای طراحی»، ارتباطی را میان سیاست‌های عمومی برنامه ریزی^{۱۸} و اجرای ضوابط و مقررات^{۱۹} فراهم می‌سازد. هدف اصلی از بکارگیری راهنماهای طراحی، انتقال حس کیفیت ترجیحی^{۲۰} طراح برای یک مکان می‌باشد. American Planning Association, 2006). لنگ از قول «کوپر مارکوز»^{۲۱} می‌گوید: راهنماهای طراحی، پل بین تحقیق و فعالیت حرفه‌ای است. کلی‌ترین راهنماهای طراحی، راهنمایی است که کریستوفر الکساندر و همکاران وی در کتاب زبان الگو (lexander et al, 1997) ارائه داده‌اند. چنین دستورالعمل‌هایی مثل بیانیه‌هایی است عمومی که اهداف و الگوی طراحی را به منظور تحقق آنها و شواهدی که حامی ارتباط بین هدف و الگوهای مذکور باشد، مشخص می‌کند. در طراحی شهری هماهنگی، تدوین راهنمایی مدنظر است که این اطمینان را به وجود آورد که منظور و مقصود و ایده طرح برآورده شده است. بنابراین تاکید در این جا بر روی دستورالعمل‌های خاصی برای هر پروژه و یا راهنماهای طراحی برای تکمیل اجزای یک طرح شهری هماهنگ است (لنگ، ۱۳۸۶).

ماهیت اصلی راهنماهای طراحی در طی قرن‌ها تغییر چندانی پیدا نکرده است. برای مثال سابقه راهنماهای طراحی نما که ماهیت بازشوهای یک بنای جدید را مشخص می‌کند حداقل به قرن چهاردهم ایتالیا بر می‌گردد. چیزی که تغییر پیدا کرده و بدون تردید در آینده نیز همچنان تغییر پیدا خواهد کرد، برداشت‌هایی است که از سازوکارهای تحقق اهداف طراحی صورت می‌گیرد و نوع دستورالعمل‌هایی که برای حصول اطمینان از به کار گرفتن آن سازوکارها در طرح مورد استفاده قرار داده می‌شود (لنگ، ۱۳۸۶).

موفق‌ترین راهنماها آنهایی هستند که از حمایت کلیه مقامات رسمی شورا، مدیران شهری و اعضاء کمیته برنامه‌ریزی برخوردارند و به روشنی سازندگان، معماران و دیگر کاربران محلی آنها را درک می‌کنند. راهنماهای طراحی می‌توانند الهام بخش طراحی خلاقانه و در عین حال متناسب با زمینه و بستر محلی باشند. آنها قادرند استانداردهای گونه‌ خاصی از توسعه که مشکلات آن شناسایی شده‌اند را ارتقاء داده و پاسخ سؤالاتی را که بارها توسط متقاضیان صدور پروانه‌های شهرسازی پرسیده می‌شوند را بدهند (DETR&CABE, 2000). همچنین راهنماهای طراحی، شهرداری را قادر می‌سازند تا توسعه

را در ارتباط با موضوعات ویژه طراحی و گونه خاصی از توسعه هدایت کنند و سیاست‌های طراحی را در «برنامه توسعه» شفاف سازند (DETR&CABE,2000).

کارایی و اثر بخشی یک «راهنمای طراحی شهری» یا دیگر ابزارهای «راهنماهای تکمیلی شهرسازی» (دستور کارهای طراحی و یا چارچوب‌های طراحی شهری) وابسته به موارد زیر می باشد:

- میزان تعهد بخش‌ها و حوزه‌های مرتبط شهری به آن سند
- میزان حمایت اعضای شورا و مقامات رسمی شهر و مدیران شهری از راهنماهای طراحی شهری
- کارایی و اثر بخشی مشارکت عمومی در تهیه راهنماها
- نحوه منطقی تدوین ساختار راهنماهای طراحی شهری، وضوح در نحوه نگارش و نحوه تبیین و نمایش مطلوب آنها

انواع راهنماهای طراحی شهری

برای تحقق اهداف طراحی شهری می توان از سه نوع راهنمای طراحی استفاده نمود:

تجویزی، عملکردی و توصیه‌ای، ممکن است مشخصات خاص فضاهای باز، یعنی خیابان‌ها و میادین و یا ساختمان‌هایی که آنها را فرا می‌گیرند را دربرگیرند. راهنماهای تجویزی عبارت است از الگویی که یک مجموعه ساختمانی، ساختمان و یا اجزای یک ساختمان باید پیدا کند (برای مثال همه ساختمان‌ها باید یک نوار آجری سرخ رنگ در هر ۵ متر ارتفاع داشته باشند). راهنماهای عملکردی نحوه عملکرد یک یا مجموعه‌ای از ساختمان‌ها را مشخص می‌کند (به طور مثال هیچ سایه‌ای نباید بین ساعت‌های ۱۱ صبح تا ۲ بعد از ظهر زمستان که زاویه آفتاب از همیشه کمتر است بر روی فضای باز خاصی بیفتد). سرمایه‌گذاران حالت اول را بیشتر ترجیح می‌دهند، زیرا شکل‌های مورد نیاز بدون هیچ گونه ابهامی در آنها بیان می‌شوند. دسته سوم راهنماها که بیشتر مورد نظر این مقاله نیز می‌باشند، راهنماهای طراحی توصیه‌ای است. این دسته از راهنماها، در ماهیت خویش جنبه پیشنهادی دارند، در حالی که راهنماهای تجویزی و عملکردی چنانچه تبدیل به قانون شده و مقاصد مورد نظر از لحاظ قانون اساسی قابل قبول باشد، اجباری و لازم الاجرا خواهند بود. راهنماهای طراحی توصیه‌ای از نظر قانونی الزامی را بوجود نمی‌آورند (لنگ، ۱۳۸۶).

آنچه یک راهنمای طراحی شهری در بر می‌گیرد

اگرچه هیچ ساختار و قالب استاندارد جهانی واحدی برای تنظیم و تدوین راهنماهای طراحی وجود ندارد، با این حال کاراترین و متداول‌ترین آنها، از ساختار کلی مشابهی برخوردارند. یک راهنمای طراحی شهری که به درستی تهیه شده باشد موارد زیر را در برمی‌گیرد (American Planning Association,2006,DETR&CABE,2000):

- ۱- هدف راهنما
- ۲- اطلاعاتی پیرامون نحوه استفاده از راهنما و افرادی که مسئول تهیه آن هستند.
- ۳- گزارش مشاور درباره راهنما و پاسخ شهرداری
- ۴- وضعیت قانونی راهنما در زمان تهیه (برای مثال، پیش نویس مشاور) و وضعیت قانونی نهایی آن (برای مثال راهنمای تکمیلی شهرسازی)
- ۵- شرحی از سیاست‌های بالا دست، چگونگی ارتباط راهنما با سیاست‌های برنامه توسعه، اسناد هدایت ملی^{۲۲}، دیگر راهنماهای طراحی، دستورکارهای توسعه، و برنامه‌های خاص مرتبط از قبیل هر آنچه به مدیریت مرکز شهر، امنیت و حفاظت مربوط باشد.

۶- توصیفی از ارزیابی‌های مرتبط با بستر و زمینه‌ای^{۲۳} که راهنما بر پایه آن استوار است و گزیده‌ای از آنچه ارزیابی‌های مذکور نشان داده‌اند.

۷- مدنظر قرار دادن سیاست‌های طراحی موجود در «برنامه توسعه» که بر پایه موضوعاتی ویژه و یا بستر محلی خاصی تنظیم گردیده‌اند. در واقع نظیر تمامی مفاد قانونی، حمایت از مجموعه راهنماهای طراحی باید در چارچوب سیاست‌های پذیرفته شده از سوی قانون گذار قرار گیرد. از این رو می‌باید درون هر بخش از گزارش راهنماهای طراحی، به سیاست‌های قانونی مربوطه رجوع گردد. همچنین، متون پانویس‌ها و یا حاشیه‌ها می‌توانند پیوند میان یک راهنمای طراحی خاص و یک سیاست را نشان دهند.

۸- اصول^{۲۴}. اصول طراحی مورد نظر در یک پروژه می‌باید به عنوان رؤس و سرفصل‌های اصلی گروه‌های راهنماهای طراحی آورده شوند. در راستای برآورده نمودن اصل یا اصول مطرح در آغاز یک یا مجموعه‌ای از راهنماهای طراحی شهری، از «هدف خرد یا مقاصد»^{۲۵} استفاده می‌گردد. در واقع هدف و یا مقصود به این مفهوم است که راهنما و یا راهنماهای طرح شده، در راستای اصل یا اصول مطرح و «به منظور» مشخصی تدوین و ارائه گردیده‌اند.

۹- عناوین. با استفاده از «عناوین» برای موضوعات متفاوت مورد توجه در راهنماهای طراحی می‌باید مقوله مورد بحث را آشکار نمود.

۱۰- استفاده از تصویرها، عکس‌ها و نقشه‌ها (به همراه توضیحات). اگرچه بهره‌گیری از زبان نوشتاری در راهنماهای طراحی، بویژه در ارتباط با ابعاد قانونی ضروری است، با این حال راهنماهای طراحی غالباً از عکس، اسکیس، و دیاگرام برای انتقال مفاهیم و اطلاعات خود استفاده می‌نمایند. در حقیقت با آن که استفاده از متن به تنهایی برای توضیح مفاهیم و ایده‌های طراحی مناسب است، با این حال این راهنماهای طراحی می‌باید برای برنامه‌ریزان، طراحان و عموم افراد به خوبی معنادار و قابل فهم باشند. قالب به کار گرفته شده در تهیه گزارشات رسمی و قانونی مربوط به راهنماهای طراحی، بسیار مشابه با بخش چشم‌اندازسازی در گزارشات برنامه‌ریزی می‌باشد. در صورت به کارگیری عکس در راهنمای طراحی باید سعی نمود تا حدالامکان از ساختمان‌ها (و یا بخش‌هایی از آنها) و یا عناصر و فضاهای شهری مطلوب و ایده آل قابل تقلید درون جامعه هدف استفاده نمود. در صورت عدم وجود نمونه‌های موفق و خوب در جامعه هدف می‌توان از نمونه‌های موجود در جوامع پیرامونی (که بسته به موضوعیت پروژه طراحی می‌تواند یک شهر، بخش^{۲۶}، محور^{۲۷}، واحد همسایگی^{۲۸} و یا دیگر شهری باشد) بهره‌مند گردید. با این حال گزینه جایگزین برای استخراج نمونه قابل تقلید باید در حوزه‌ای با شرایط اقلیمی، گیاهی، توپوگرافی^{۲۹} و نیز فرهنگی مشابه قابل یافت باشد.

۱۱- طبقه‌بندی و رعایت سلسله مراتب در تدوین راهنماهای طراحی. مفاهیم جزئی‌تر و بندهای مرتبط با راهنماهای طراحی شهری اصلی، می‌توانند در بخش‌های مجزا و یا متصل به هر راهنمای طراحی (و یا به هر دو شیوه) آورده شوند. این امر موجب تأیید بیشتر راهنماهای طراحی شهری اصلی گردیده و استدلال‌های منطقی پشتوانه یک تصمیم را نشان می‌دهد. علاوه بر این، از آنجایی که راهنماها می‌باید احتمالاً در طول بازه‌های زمانی مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گیرند، این اقدام به باز یادآوری مقاصد و اهداف اصلی راهنماهای طراحی کمک می‌نماید. همچنین باید به این نکته نیز اشاره نمود که طبیعتاً راهنماهای طراحی قادر به در برگیری تمامی موضوعات و موارد مطرح در حوزه طراحی شهری نیستند، اما با این وجود می‌باید مهمترین مباحث و رؤس اصلی مورد توجه را شامل گردند. این خط مشی سبب می‌گردد تا در بازبینی راهنماهای طراحی با تمرکز و سهولت بیشتری تأثیرگذارترین راهنماهای طراحی، مطرح و مورد نقد، ارزیابی و اصلاح قرار گیرند و از پرداختن به مباحث فرعی و غیر مهم اجتناب گردد. این امر همچنان کمیته توسعه^{۳۰} را در خصوص این که چه مقولاتی بیشتری میزان بررسی را طلب می‌کند، آگاه می‌سازد. تنظیم زیر مباحث کلیدی، در ساختار راهنماهای طراحی، طرح نهایی را نمایان‌تر ساخته و انرژی‌های افراد بازبینی کننده، طراحان، تصمیم

گیران و ... را متمرکز و همسو می‌نماید. در نهایت این که این عمل می‌تواند با مشخص نمودن اهم مواردی که می‌باید در اجرای تمهیدات طراحی صورت پذیرد، سبب کم نمودن میزان تغییر و تعویض‌های پیاپی راهنماهای طراحی گردد.

۱۲- واژه نامه^{۳۱}. استفاده از واژه نامه در تنظیم گزارشات راهنمای طراحی به کاهش میزان بحث‌ها و اختلاف برداشت‌های ناشی از ادراکات و اطلاعات متفاوت افراد از عبارات مشابه کمک کند. در فرآیند تنظیم راهنماهای طراحی، گاهاً از واژگانی استفاده می‌گردد که دامنه وسیعی از تعاریف را در خود شامل می‌شود؛ نظیر «سازگاری»^{۳۲}. چنین واژگانی نباید به هیچ عنوان به صورت مستقیم درون راهنماهای طراحی شهری مورد استفاده قرار گیرند؛ اما می‌توانند برای بکارگیری در سیاست‌ها و یا اصول یک گزارش راهنمای طراحی، مناسب باشند. در چنین حالاتی راهنماهای طراحی باید برای دستیابی به «سازگاری»، در صورتی که به عنوان هدف مد نظر است، با تمهیدات اتخاذی خود تلاش نمایند. همچنین متون و نوشتارگار راهنماهای طراحی نباید از واژگانی مبهم استفاده نموده و به زیاده‌گویی بپردازند.

محورهای طبقه بندی‌های راهنماهای طراحی شهری

راهنماهای طراحی به طیف وسیعی از موضوعات مرتبط با طراحی و کنترل توسعه می‌پردازد که در زیر به برخی از مهمترین آنها اشاره گردیده است:

الف) راهنماهای طراحی معماری ساختمان‌ها

در این گروه از راهنماهای طراحی به موضوعاتی از قبیل نمای ساختمان‌ها، تابلوها، بخش‌های الحاقی به بنا، سیما و ظاهر ساختمان (جزئیات و مصالح)، مقیاس (توده گذاری)، شخصیت ویژه ساختمان‌ها، یکپارچگی طراحی^{۳۳}، مفصل بندی ساختمان‌ها، ارتباط بین ساختمان‌ها و پیاده‌روها، جداره‌های خالی^{۳۴}، عقب نشینی‌ها، توسعه‌های جدید، ورودی ساختمان‌ها، سایبان‌ها و حفاظ‌ها^{۳۵} و غیره پرداخته می‌شود. برای مثال در راهنماهای طراحی مربوط به نمای گروهی از ساختمان‌ها، اهدافی نظیر توجه به کاراکتر بناها و خوانایی (سهولت ادراک) از بالاترین سطح اهمیت برخوردارند.

ب) راهنماهای طراحی منظر و محوطه آرایبی

راهنماهای طراحی مسیرها و فضاها، موضوعاتی از قبیل محوطه آرایبی، کف‌سازی، کاشت گیاهی و درختان، مبلمان و تسهیلات رفاهی، نورپردازی و استفاده از هنرهای جمعی (مردمی)^{۳۶}، فضاهای عمومی و غیره را در بر گیرند. ترویج و ارتقاء کاراکتر، کیفیت عرصه عمومی، سهولت حرکت و نیز خوانایی (سهولت ادراک)، در این بخش از اهمیت بیشتری برخوردار است. راهنمای طراحی منظرسازی و محوطه آرایبی موضوعاتی نظیر حفاظت از طبیعت، و ارتقاء کیفیات زیست محیطی را نیز پوشش می‌دهد.

ج) راهنماهای طراحی / توسعه محله، ناحیه و شهر

برخی از راهنماهای طراحی با محدوده‌هایی مانند محلات و کل یا بخشی از شهرها و شهرک‌ها مرتبط می‌باشند. در حقیقت این گروه از راهنماها، مقیاس کلان راهنماهای طراحی شهری را تشکیل می‌دهند. چنین راهنماهایی قادرند نقش با ارزشی را در هدایت توسعه، ترویج کاربری مختلط، ایجاد انگیزش برای احیا و باززنده سازی^{۳۷} و کمک به رونق بخشی شهر ایفا نموده و نیز به عنوان یک سند چشم انداز عمل نمایند.

عناصر کیفیت بخش محیطی و تدوین راهنماهای طراحی شهری

در تئوری‌های مختلف طراحی شهری، اندیشمندان مختلف تحت عناوینی چون «محیط‌های پاسخده»، «شهرسازی شهروندگرا»، «شکل خوب شهر» و... به بررسی ارائه کیفیت‌ها و معیارهای کلیدی جهت دستیابی به «محیط کالبدی با کیفیت» پرداخته‌اند. علیرغم وجود تفاوت در نظریات مختلف، هدف تمامی آنها تلاش در جهت فراهم آوردن بستری است به نیازهای انسانی به بهترین شکل در عرصه‌های عمومی تحقق یافته و بدین ترتیب فضایی خوشایند و مطلوب را در سطوح مختلف (شهر، محله، فضای شهری، سکونتگاه روستایی و...) برای استفاده کنندگان در پی داشته باشد. در جدول شماره ۲ با بهره‌گیری از ساختار کلی جدول شماره ۱ (مؤلفه‌های سازنده کیفیت‌های محیطی) و جمع‌بندی پارامترهای کلیدی سازنده

کیفیت‌های محیطی، منتج از منابع موجود و دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلف (کوپن لینچ (۱۳۸۱)، ویولیچ (۱۹۸۳)، بنتلی و همکاران (۱۳۸۲)، آلن جیکوب و دونالد اپلیارد (Carmona, 2003)، فرانسیس تیبالدز (۱۳۸۳)، جهان‌شاه پاکزاد (۱۳۸۲)، DETR&CABE، ((۲۰۰۰)) اصلی‌ترین اهداف کیفیت بخش فضاهای شهری قابل استفاده در تدوین راهنماهای طراحی شهری استخراج گردیده است (شکیبامنش، ۱۳۸۷).

جدول ۲: اهداف کیفیت بخش محیطی قابل استفاده در تدوین راهنماهای طراحی شهری

تعریف	مؤلفه‌های کیفیت بخش محیط
- در دسترس بودن محیط شهری، جایی برای گنگوی ارزش‌ها و فرهنگ‌های مختلف	۱- محیطی برای همه
- توانایی دسترسی روشن و راحت به سایر افراد، فعالیت‌ها، منابع، خدمات، اطلاعات و یا اماکن.	۲- دسترسی
- وجود کاربری‌ها و فعالیت‌های متنوع در فضا	۳- تنوع (فعالیت)
- قابلیت استفاده یک مکان برای منظورهای متنوع	۴- انعطاف پذیری
- انطباق بستر فضایی شهر با کاربری‌ها، شبکه دسترسی و...	۵- سازگاری (هماهنگی)
- وجود نظارت اجتماعی بر سکونتگاه توسط ساکنین فضاها و یا استفاده کنندگان	۶- امنیت اجتماعی
- دسترسی برای گروه‌های مختلف جمعیت و کنترل شبکه دسترسی	۷- عدالت
- ایجاد بستر مناسب برای راحتی حرکت پیاده	۸- آزادی حرکت پیاده
- خودداری از ایجاد تغییرات ناگهانی در محیط شهری	۹- رشد و تغییرات تدریجی
- ایجاد بستر مناسب برای شهروندان در فضای شهری به عنوان عرصه زندگی عمومی	۱۰- تسهیل مشارکت
- افراد بتوانند قالب همیشگی خود را بشکنند، تجربیات خود را گسترش دهند و لذت ببرند.	۱۱- دستیابی به فرصت‌ها
وجود حس یک مکان دوست‌دوسته برای مشارکت گروه‌های مختلف شهروندان در زندگی اجتماعی در عرصه عمومی	۱- سرزندگی اجتماعی (مفرح بودن)
	۲- نفوذ پذیری بصری
- گوناگونی فرم‌ها و فعالیت‌ها جهت عرضه تجربیات متنوع	۳- تنوع فرم‌ها، و فعالیت‌ها
	۴- محصوریت
	۵- تداوم و پیوستگی
- داشتن کلیتی یکپارچه و واحد	۶- یکپارچگی
- هر کس باید بتواند در شهر احساس راحتی (فیزیولوژیک، روانی و...) داشته باشد.	۷- راحتی و آسایش
- کیفیتی که با سیمای بیرونی یک مکان ارتباط دارد.	۸- تناسبیات بصری
- افزایش تنوع تجربیات حسی در یک مکان با امکان بکارگیری حواس مختلف	۹- غنای حسی
- زمینه سازی طراحانه برای اینکه مردم به زدن نشان خویش بر مکان‌هایی که کار و زندگی می‌کنند، تشویق شوند.	۱۰- رنگ تعلق
- قابلیت درک یک مکان در دو سطح فرم کالبدی و الگوی فعالیتها	۱۱- خوانایی
- وجود وابستگی و تعلق خاطر به فضا در نتیجه وجود بستر مناسب برای تعامل انسان با فضا و هماهنگی فضا با الگوهای رفتاری	۱۲- حس تعلق به فضا و جامعه
- وجود شخصیت خاص و متمایز برای هر فضا نسبت به فضاهای دیگر	۱۳- هویت (شخصیت)
- بستر مناسب برای حفظ و نگهداری خاطرات جمعی و فردی در فضای شهری	۱۴- خاطره انگیزی
- توجه به بستر تاریخی- فرهنگی و بهره‌گیری از داشته‌های بومی و محلی	۱۵- زمینه گرایی (بومی بودن)
- توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و استفاده از موقع و شرایط طبیعی شهر	۱- زمینه گرایی جغرافیایی
- جلوگیری از آلوده شدن منابع طبیعی و محیط زیست	۲- پاکیزگی محیطی
- تامین نیازهای بیولوژیکی انسان	۳- سرزندگی بیولوژیک
- تامین بقاء همه موجودات	۴- کلرانی مصرف انرژی
- توجه به مقوله توسعه پایدار در استفاده از منابع	۵- پشتیبانی از اکوسیستم (پایداری اکولوژیک)
- تنظیم شرایط محیطی از قبیل دما، رطوبت، فشار و... برای راحتی فیزیولوژیک بدن انسان	۶- آسایش اقلیمی

عسکری

تجربتی - زیباشناختی

زیست محیطی

با لحاظ نمودن محوریت‌های متفاوت یاد شده در بالا و موضوع مورد بحث راهنمای طراحی، می‌توان از جدول شماره ۲ به منظور تعیین اصول کیفیت بخش قابل حصول استفاده نمود. همچنین «اهداف» و یا «مقاصد»، ارتباط میان اصول و راهنماهای طراحی شهری را برقرار نموده و مقاصد تنظیم آن دسته از راهنماها را معین می‌نماید. در واقع هدف و یا مقصود به این مفهوم است که راهنما و یا راهنماهای طرح شده، در راستای اصل یا اصول مطرح و «به منظور» مشخصی تدوین و ارائه گردیده اند. در تصویر شماره ۴ نمونه ای از تنظیم راهنمای طراحی شهری نشان داده شده است.

محوریت راهنمای طراحی:
راهنماهای طراحی در خصوص معماری ساختمان‌های مراکز شهری

اصول:
- ایجاد سرزندگی اجتماعی
- ایجاد محیطی مفرح
- تامین محیطی امن
- ایجاد تنوع در فضاهای شهری

موضوع راهنما:
شفافیت و بیرون آمدن کاربری‌هایی که به مرکز شهر سرزندگی می‌بخشند.

اهداف:
- استفاده از حضور و نمود کاربری‌ها و فعالیتهای جاذب جمعیت جهت ارتقاء کیفیت سرزندگی مراکز شهری؛
- ایجاد امنیت در مراکز شهری از طریق فراهم نمودن شرایط جذب و حضور همیشگی جمعیت در قالب فعالیت‌های جاری.
- امکان نظارت غیر مستقیم فضاهای مرکزی شهر از ساختمان‌های مجاور
- فراهم نمودن زمینه حضور فعالیت‌های متنوع در فضاهای مرکزی شهر؛

راهنماهای طراحی:

✓ باید ارتباطات بصری و فیزیکی بین فضاهای فعال داخل ساختمان‌ها و پیاده‌روهای مجاور برقرار گردد.

✓ نماهای سطح همکف ساختمانهایی که به سمت خیابانهای مرکز شهر جهت‌گیری نموده اند باید دارای کاربری‌های عابر محور و پنجره‌های شفاف، با متوسط ۰.۶ تا ۰.۳ متر ارتفاع از سطح زمین، با رعایت موارد زیر باشند؛ (LMN, 2005a)

- در طول پیاده‌راه‌های موجود در مراکز شهری، حداقل ۶۰ درصد کاربری‌ها باید عابر محور و جاذب جمعیت بوده و دارای شفافیت در نمای اصلی خود باشند.

- در طول خیابان‌های اصلی مرکز شهر؛ حداقل ۴۰ درصد کاربری‌ها باید عابر محور و جاذب جمعیت بوده و دارای شفافیت در نمای اصلی خود باشند.

- در سایر معابر مرکز شهر (درجه ی ۲ یا فرعی، میان بلوکی و...) حداقل ۲۰ درصد کاربری‌ها باید عابر محور و دارای شفافیت در نمای اصلی خود باشند.

✓ ساختمانهای مرکز شهر می‌توانند تا عمقی معین از خط مالکیتشان عقب نشینی داشته باشند و آن زمانی است که این محدوده عقب نشینی برای ایجاد ورودی‌های ساختمانها، کافه‌های خیابانی (در فضای باز)، یا دیگر فعالیتهای کاربری‌ها مورد استفاده قرار گیرد. به علاوه عقب نشینی ممکن است برای گنجاندن فضاهای عمومی برای عابران پیاده در مرکز شهر نیز صورت پذیرد.

✓ برای ایجاد کیفیت در بحث شفافیت نمای ساختمان‌ها، نباید از شیشه‌های رفلکس، مات و دودی در پنجره‌های نمایشی استفاده نمود (LMN, 2005a).

✓ نمای مغازه‌ها، باید به عنوان یک فضای باز در ذهن ناظرین خواننده شود و باعث ایجاد تمرکز بصری فعال که با حجم‌های فوقانی کنتراست ایجاد می‌کنند، گردند (LMN, 2005b).

✓ ایجاد بالکن‌ها (با قابلیت دسترسی عمومی) در نقش باغ‌های معلق، یا دید به فضای تردد عابران پیاده و رو به معابر مرکز شهر.



تصویر ۴: بخشی از راهنمای طراحی شهری با موضوع مراکز شهری.

نتیجه گیری

آن چنان که در این مقاله نیز به آن اشاره شد، «راهنماهای طراحی» پل میان تحقیق و فعالیت حرفه‌ای را می‌سازند. این راهنماها با برقراری ارتباط میان سیاست‌های عمومی برنامه‌ریزی و اجرای ضوابط و مقررات، نقش عمده‌ای را در تحقق تمهیدات و دستاوردهای یک پروژه طراحی شهری ایفا می‌نمایند. چنین دستورالعمل‌هایی قادر خواهند بود تا همچون بیانیه‌هایی عمومی، اهداف و الگوی طراحی را به منظور تحقق آنها مشخص نموده و شواهدی را که حامی این ارتباط بین هدف و الگوهای مذکور باشد، ارائه نمایند. در حقیقت «راهنماهای طراحی شهری» با استفاده مستقیم از عوامل کیفیت

بخش محیطی در ساختار خود و بهره‌گیری از این عوامل در ایجاد متون، تصاویر و نقشه‌های هدایت‌کننده جریان طراحی شهری، نقش بسزایی را در ارتقاء کیفیت فضاهای شهری برعهده دارند. در واقع «راهنماهای طراحی شهری» از جمله مهمترین ابزار در اختیار طراحان شهری، جهت انعکاس و ظهور تدابیر و تمهیدات کیفیت بخش در فضاهای شهری به شمار می‌آیند. ماهیت اصلی راهنماهای طراحی در کشورهای مختلف و نیز در بازه‌های زمانی متفاوت تغییر چندانی پیدا ننموده است. اما آن چه که تغییر یافته، برداشت‌هایی است که از ساز و کارهای تحقق اهداف طراحی توسط گروه‌ها و متخصصین مختلف صورت می‌گیرد و همچنین نوع راهنماهایی است که برای حصول اطمینان از گرفتن مطلوب‌ترین پاسخ طراحی، مورد استفاده قرار داده می‌شود. میزان تعهد بخش‌ها و حوزه‌های مدیریت شهری به سند راهنمای طراحی و نیز حمایت آن‌ها از سند، مشارکت عمومی و نیز نحوه تدوین منطقی ساختار راهنمای طراحی و وضوح در شیوه نگارش و تبیین و نمایش مطلوب آنها از جمله مهمترین شروط پدید آوردن یک «سند راهنمای طراحی شهری» موفق می‌باشد. بدیهی است با آن که بهره‌گیری از این بخش از فرآیند طراحی شهری در کشور ما و در پروژه‌های طراحی شهری همچنان کم رنگ و گاه ناپیداست اما با این وجود در این مقاله سعی گردیده تا بستر نظری لازم برای بهره‌مندی عملی از «راهنماهای طراحی شهری» با استفاده از منابع موجود تبیین گردد.

پی‌نوشت‌ها:

- 1 - Urban design guidelines
- 2 - Sitte
- 3 - Baumister
- 4 - Profect
- 5 - Supplementary Planning Guidance (SPG)
- 6 - Area - specific
- 7 - Site - specific
- 8 - Topic - based
- 9 - Character
- 10 - Development Plan
- 11 - Urban design frameworks
- 12 - Urban design briefs
- 13 - Implementation strategy
- 14 - Master Plan
- 15 - Area development frameworks
- 16 - Urban design strategies
- 17 - Planning and urban design frameworks
- 18 - General planning policies
- 19 - Implementing regulations
- 20 - Preferred quality
- 21 - Clare Cooper Marcus
- 22 - national guidance
- 23 - context
- 24 - Principles
- 25 - Intents
- 26 - District
- 27 - Corridor
- 28 - Neighborhood
- 29 - Topography
- 30 - Development Committee
- 31 - Glossary
- 32 - Compatibility
- 33 - Design consistency
- 34 - Blank walls
- 35 - Canopy and awnings
- 36 - Public Art
- 37 - Regeneration

منابع

- بنتلی؛ الکتک؛ مورین؛ مک گلین؛ اسمیت. (۱۳۸۲). محیط های پاسخده، مصطفی بهزاد فر، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران. بحرینی، سید حسین. (۱۳۸۲). "فرآیند طراحی شهری"، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۶). "مبانی نظری طراحی شهری"، جزوه درسی، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۲). "معیارهای کیفی سنجش فضا"، فصلنامه آبادی، سال سیزدهم، شماره ۳۹.
- پاک زاد، شادی. (۱۳۸۶). باز بینی طرح یک میدان شهری یادمانی، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- توسلی، محمود. (۱۳۷۶). طراحی شهری در بخش مرکزی تهران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۳). "شهرسازی شهروند گرا"، محمود احمدی نژاد، اصفهان، انتشارات خاک.
- ذکاوت، کامران. (۱۳۸۲). "راهنمای طراحی"، همایش سیما و منظر شهری، تهران، تجارب جهانی و چشم انداز آینده.
- ذکاوت، کامران. (۱۳۸۴). "جایگاه سیاست های طراحی شهری در نظام هدایت و راهبری"، جستارهای شهرسازی، شماره های ۱۳ و ۱۴.
- سیف الدینی، فرانک. (۱۳۸۱). مبانی برنامه ریزی شهری، تهران، انتشارات آبیژ.
- شکیبامنش، امیر. (۱۳۸۷). "ارتقاء کیفی و پویا سازی مراکز شهری با کمک خطوط راهنمای طراحی شهری"، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- کوان، رابرت. (۱۳۸۵). "چارچوب طراحی شهری، دستور کار توسعه و طرح جامع سه بعدی طراحی شهری"، سولماز حسینیون، کورش گلکار، تهران، اسلیمی.
- گلکار، کورش. (۱۳۸۰). "مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری"، فصلنامه صفا، شماره ۳۴.
- کوکبی، افشین. (۱۳۸۳). برنامه ریزی کیفیت زندگی در مراکز شهری، تعاریف و شاخص ها، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- لنگ، جان. (۱۳۸۶). "طراحی شهری؛ گونه شناسی رویه ها و طرح ها همراه با بیش از پنجاه مورد خاص"، سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- لینج، کوین. (۱۳۸۱). تئوری شکل خوب شهر، سیدحسین بحرینی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- Alexander, Christopher ; Ishikawa, Sara and Silverstein, Murray (1977). "A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction", New York: Oxford University Press.
- American Planning Association (2006). "Planning and Urban Design Standards", John Wiley & Sons, INC. United States of America, New jersey.
- Carmona, Matthew, Health, Tim, Oc, Taner, Tiesdell, Steven. (2003), Public Places, Urban Spaces, London, Architectural Press.
- DETR&CABE. (2000), By Design, Urban Design in the Planning System: Towards Better Practice, London, Thomas Telford.
- Punter, J (1994). "Design Guidelines In American Cities, A Review of Design Policies and Guidance in five West Coast Cities", Liverpool University Press.
- LDR International ,Inc (1998). "The Texas State University-San Marcos design guidelines", Texas State University San Marcos Press.
- Punter, J and Carmona ,M (1997), "The Design Dimension of Planning, Theory, Content and best Practice for Design Policies", London.
- Rowland, Jon (1996). "The Urban Design Process", Urban Design Quarterly Issue 56 oct 1995.
- Urban Design Group (2003). "Urban Design Guidance, Urban Design Frameworks Development Briefs and Master Plans", London, Thomas Telford.
- Urban Design Associates (2003). "The Urban Design Handbook: Techniques and Working Methods", New York.
- Violich, F. (1983), Urban Reading and the Design of Small Urban Places: The Village of Sutivan, Town Planning Review, vol. 54: 41-62.